

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان درس:	فقه نظام خانواده	جلسه ۶	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۸/۱۵
عنوان فرعی ۱	نکاح			
عنوان فرعی ۲	شرط استحباب عینی نکاح			
عنوان فرعی ۳	کُفویت			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث ما در کُفویت در نکاح بود که معنای لغوی آن را بیان کردیم و در خصوص اینکه کُفویت در شرع با چه چیزی تحقق پیدا می کند گفتیم روایات بر سه دسته اند:

دسته اول روایاتی بود که ملاک کُفویت را اسلام و ایمان می دانست که روایات این دسته را خواندیم.

دسته دوم روایاتی بود که در مقام الغای اعتبارات جاهلی در مقام کُفویت است که روایات آن را نیز خواندیم و همچنین به طور مفصل تر در بحث فقه نظام سیاسی به آن پرداختیم.

روایات دسته سوم:

بحث امروز در دسته سوم از روایات مربوط به کُفویت است و که روایاتی است که ظهورشان علاوه بر شرط ایمان و اسلام، جهات دیگری را در کُفویت معتبر می دانند.

اولین دسته از این روایات روایاتی است که «عفت» و «یسار» را شرط در کُفویت می دانند؛ یعنی کسی کُفویک دختر مؤمنه است یا کُفویک پسر مؤمن است که با عفت باشد و چون «یسار» آمده معلوم می شود بیشتر نظر به مرد دارد یعنی مردی می تواند شایسته دختر مؤمنه باشد که توان تأمین معاش آن را داشته باشد؛ البته به این معنا نیست که پول داشته باشد، بلکه توان تأمین معاش داشته باشد گرچه پولی بالفعل نداشته باشد؛ بلکه همین که هنری یا کاری یا قدرت بازو داشته باشد و بتواند تأمین معاش کند کافی است زیرا ظاهراً مراد از یسار، یسار عرفی است که بر یسار بالقوه هم صدق می کند. روایت متعددی در شرطیت عفت و یسار وجود دارد:

اولین روایت روایتی است که شیخ بسندش روایت می کند:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «الْكُفُّوْأَنْ يَكُوْنَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»^۱

به قرینه «یسار» این روایت نظر به مرد دارد زیرا در دختر «یسار» معتبر نیست و کسی که وظیفه تأمین معاش دارد مرد است لذا او باید دارای «یسار» باشد.

این روایت با این سندی که ذکر شده و در وسائل چنین آمده است صحیح است و اشکالی در سند از حیث وثاقت وجود ندارد؛ لکن در نسخه تهذیب بنابر آنچه در حاشیه وسائل آمده است بعد از محمد بن فضیل عبارت «عمن ذکره» آمده است که موجب ارسال روایت می شود. لکن ما نسخه صاحب وسائل را از نسخ دیگر اصح می دانیم یعنی اگر تعارض بین نسخه صاحب وسائل و نسخ دیگر [اتفاق افتاد، نسخه صاحب وسائل مقدم است] زیرا او سند صحیح دارد به این نسخه تهذیبی به در اختیار او بوده؛ مگر نسخه صاحب وافى یا صاحب بحار که اگر نسخه آن دو نیز متفاوت باشد، به آن اعتنا می کنیم اما نداریم که نسخه صاحب بحار و صاحب وافى این مقدار زیاده یعنی «عمن ذکره» را آورده باشند.

به هر حال این روایت به سند دیگر نیز آمده است.

همچنین شیخ طوسی روایت می کند:

بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «الْكُفُّوْأَنْ يَكُوْنَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»^۲

که این سند نیز با این متنی اشکالی در آن نیست و تمام رجال سند ثقه اند اما در هامش وسائل مطبوع آمده است که به جای عبد الله بن الفضل الهاشمی، محمد بن فضیل الهاشمی آمده است که محمد بن فضیل مجهول است و با این نام کسی نداریم که توثیق شده باشد لکن مرحوم محقق خویی رضوان الله تعالى علیه در رجالشان با اشاره به این روایت در ذیل محمد بن فضیل الهاشمی می فرماید:

كذا في الطبعة القديمة ولكن في النسخة المخطوطة محمد بن الفضل الهاشمي والظاهر هو الصحيح.

منتهی محمد بن فضل الهاشمی نیز دلیل بر وثاقت ندارد همان طوری که محمد بن فضیل الهاشمی دلیلی بر وثاقت ندارد؛ لکن در وسائل مطبوع هیچ یک از این دو نیست بلکه عبد الله بن الفضل الهاشمی است که ثقه است و نقل صاحب وسائل از تهذیب برای ما معتبر است و لذا آن نقل های دیگر با این نقل معارضه نمی کند

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات النکاح، باب ۲۸، ح ۵.

۲. همان؛ ح ۷.

و بنابراین راوی باید عبدالله بن الفضل الهاشمی باشد منتهی ممکن است این روایت با روایت قبل خلط شده باشد که در آنجا محمد بن فضیل وجود دارد؛ به هر حال آنچه در وسائل آمده برای ما حجت است چون صاحب وسائل نسخه صحیح به تهذیب دارد بنابراین می توان گفت روایت صحیحه است.